

حدود ۸۵ درصد از رانندگانی که باعث تصادفات مرتبط با خواب می‌شوند، مرد هستند و حدود یک سوم آنها حداکثر ۳۰ سال سن دارند.



دومین سفر تیم پزشکی به خراسان جنوبی

دکتر سعید ناصر عمادی، داوطلب هلال احمر، پزشک بدون مرز، متخصص پوست و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران برای دومین بار برای درمان مشکلات پوستی اهالی روستای ذکری و گل‌نی به خراسان جنوبی و ۳۰ کیلومتری مرز افغانستان رفت. وی که از اعضای مجمع عمومی هلال احمر نیز هست، اوایل ماه مبارک رمضان در پی اطلاع از مشکلات شدید پوستی کودکان اهالی این روستاها، به این خطه از کشورمان سفر کرد. این بار هم برای پیگیری روند درمان همراه تیم داوطلب پزشکی، متشکل از دستیاران و پرستاران و دانشجویان پزشکی از تهران و مازندران و اعضای هلال احمر خراسان جنوبی به این روستاها سفر کرد.

آنچه گذشت

داستان کلاه آفتابی‌ها ادامه دارد

شهروند | چند هفته پیش در اینستاگرام پیامی به دکتر سعید ناصر عمادی، پزشک داوطلب جمعیت هلال احمر داده شد و در آن از بیماری پوستی کودکان در یکی از روستاهای خراسان جنوبی صحبت شد. عکس‌ها دکتر عمادی را متقاعد کردند که بیماری جدی است و باید به این بچه‌ها کمک شود. بر همین اساس، به سراغ دبیر کل جمعیت هلال احمر رفت و در نهایت با همراهی نیروهای جمعیت راهی روستاهای ذکری و گل‌نی شهرستان درمیان شدند. تیم اعزامی به بررسی، درمان و آموزش بیش از ۶۰ نفر از بیماران روستاهای ذکری و گل‌نی اقدام کردند و کلاه آفتابی، داروهای مورد نیاز از قبیل کرم‌های ضد آفتاب و مرطوب‌کننده و پمادهای مرتبط با بیماری به شکل رایگان در اختیارشان قرار گرفت. بعد از گذشت چند روز، پوست کودکان روستای ذکری شبیه به خیلی از همسالانشان شد و حتی دیگر بدون کلاه و زدن کرم ضد آفتاب از خانه بیرون نمی‌روند.

دکتر عمادی که ۱۰ سالگی می‌شود داوطلب جمعیت هلال احمر است، در رابطه با داستان این کودکان می‌گوید: داستان ذکری در استان خراسان جنوبی این طور شروع شد که در اینستاگرام برای من پیامی آمد که بچه‌های روستای ذکری دچار ضایعات پوستی خیلی شدیدی شده‌اند که روز به روز هم بدتر می‌شوند. بلافاصله سرچ کردم؛ در یکی، دو سایت دیدم که یک‌ماه قبل پیامی گذاشته‌اند که بچه‌های این روستا چنین مشکلی دارند اما خیلی جدی به آن اشاره نکرده بودند. به نظر آمد که باید یک مشکل جدی وجود داشته باشد. با دبیر کل جمعیت هلال احمر تماس گرفتم و از ایشان خواهش کردم از مدیرعامل استان پیگیری کنند که این موضوع واقعیت دارد یا خیر؟ بعد از تأیید تصمیم بر این شد که من فردای همان روز به استان خراسان جنوبی بروم و با همکاری جمعیت هلال احمر به روستا برویم و مددجویان را ببینیم. قبل از رفتن از یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد که برایم پیام فرستاده بودند، خواستم عکس این بچه‌ها را برای من بفرستند. عکس ۶ تاز بچه‌ها را برای من فرستادند و متوجه شدم که مشکل جدی است.

اما دیدن عکس‌ها در مورد بیماری بچه‌ها و دلیلش حدس‌هایی زده بود؛ قبل از رفتن به این فکر کردم که احتمالاً در آن منطقه نور خورشید زیاد است، خشکسالی و بادهای شدیدی که گردوغبار زیادی دارد، به پوست بچه‌ها در این روستا آسیب می‌زند. این احتمال که شاید یک بیماری عفونی یا ژنتیکی باشد را هم برای خودمان داشتیم؛ اما چون تجربه‌ام در کشور زیاد بود و این موارد را در آفریقا هم دیده بودم، حدس این بود که مشکل همان نور خورشید و بادهای پرگردوغبار است که حدس هم درست بود و در نهایت توانستیم مشکل را با مقداری دارو، کرم ضد آفتاب و کلاه حل کنیم. با این حال، موفقیت اصلی ما این بود که توانستیم به مردم در این روستاها آموزش دهیم. از ۸ صبح تا ۸ شب آموزش داشتیم و با بچه‌ها ارتباط خوبی برقرار کردیم و در نهایت دیدیم این آموزش نتیجه خوبی داشته است.



عکس‌ها: fcs.ir



به همت استاد پوست دانشگاه تهران

بازگشت طراوت کودکی به روستاهای مرزی

بچه‌ها که می‌روند و نوبت به بزرگترها می‌رسد، او بهشان می‌گوید که بعضی از بچه‌ها کرم نداشتند و دوباره پوستشان خشک است و تأکید می‌کند ادامه این خشکی چه عواقب وخیمی در آینده برایشان خواهد داشت. از ضایعات پوستی تأییدهای و تخمیر، البته با مهربانی و زبانی ساده، مردها سر تکان می‌دهند و تأیید می‌کنند.

آموزش به کودکان باز بگوش و سر به هوا
 صبح می‌رویم گل‌نی. همه اهالی که بیشترین از ۵۰-۴۰ نفر نیستند، در مسجد جمع می‌شوند. دکتر عمادی اغلبشان را به نام کوچک می‌شناسد و دوباره همان حرف‌های دیشب را تکرار می‌کند. بعد هم روش درست کلاه گذاشتن و استفاده کرم ضد آفتاب را توضیح می‌دهد. اول برای خودش کلاه می‌گذارد و بعد چند تا از پسر بچه‌ها را بغل می‌کند و برایشان کلاه می‌گذارد و کرم می‌زند و توضیح می‌دهد. از آنها هم می‌خواهد دو به دو رو به روی هم بنشینند و برای هم کرم بزنند. مرحله بعد بچه‌هایی آینه و جای دکتر روی صندلی می‌نشینند و دوباره توضیحات را تکرار می‌کنند. دکتر هم کنار آنها روی زمین می‌نشیند. اینها مراحل است که دکتر عمادی بار پیش هم اجرا کرده است. یک ساعت و اندی در گل‌نی می‌مانیم و او آموزش می‌دهد و دست آخر روی زمین و قاطی بچه‌ها می‌نشیند و با زبان کودکانه به حرف بازی‌شان می‌گیرد و سعی می‌کند آنها را متوجه خطرات نزدن کرم و کلاه نگذاشتن بکند. در کنار این آموزش‌ها، بقیه آقا و خانم‌دکترها هم با پرستار حاضر در جمع و بچه‌های هلال احمر اقلام دارویی و غیر دارویی را توزیع می‌کنند. دوباره به ذکری می‌رویم و در مدرسه روستا مستقر می‌شویم. نخستین کار معاینه اهالی است در دو اتاق جدا و ویژه خانم‌ها و آقایان. صف زنان روستا طولانی‌تر است و از قرار مشکلات آنها حادث از مردان به دلیل این که بیشتر بیرون هستند و کارهای خانه و پخت نان و... با آنهاست. هم‌زمان در کلاسی که دکتر عمادی مستقر است، مردان بعد از معاینه به عنوان سرپرست خانوار، تعداد بچه‌های خود را می‌گویند تا علاوه بر دارو، لباس و دیگر اقلام را هم به خانه ببرند. بچه‌ها بیرون مدرسه در حال شیطنت و بازی و در یافت کلاه به عنوان هدیه و جایزه و یاد گرفتن آموزش‌ها هستند. داخل مدرسه نمی‌آیند مگر همراه پدر یا مادر، برای معاینه. کرم‌های دست‌ساز درمانی، کنار دست دکتر هاست و علاوه بر دادن شکلات به بچه‌ها، صورت همه‌شان را کرم می‌زند. ساعتی از ظهر گذشته که کار معاینه توزیع اقلام و دارو به پایان می‌رسد. حدود ۱۰۰ مردوزن معاینه شدند و دیگر وقت خداحافظی است. اهالی با مهربانی خداحافظی و تشکر می‌کنند و بچه‌ها در دست دادن، هیچ کدام را از قلم نمی‌اندازند.

لیلا باقری | همراه گروه سلامت شده‌ام و عازم خراسان جنوبی. دکتر سعید ناصر عمادی، پزشک بدون مرز و متخصص پوست و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران برای دومین بار به روستاهای مرزی و سنی‌نشین شهرستان «درمیان» رفت تا پیگیری درمان مشکلات پوستی بچه‌ها شود. او که عضو مجمع هلال احمر هم هست، اوایل خرداد از طریق فعالان اجتماعی متوجه بیماری پوستی در روستاهای ذکری و گل‌نی می‌شود و خودش را به آنجا می‌رساند. شایعه شده بود که بیماری عفونی پوستی بچه‌ها به دلیل آب آلوده است اما دکتر عمادی متوجه می‌شود طوفان خاک و آفتاب بی‌امان، پوست بچه‌ها را نازک و شکننده و ضعیف کرده و بعد هم عفونی شده‌اند. به اهالی توصیه‌های لازم را می‌کند و درمان را شروع می‌کند. بعد از سفر، او کرم ضد آفتاب و اقلام مورد نیاز را با بچه‌های هلال احمر بین مردم دو روستا توزیع می‌کند. در سفر دوم یک گروه تحت عنوان گروه سلامت دکتر را همراهی می‌کنند: دکتر علان، نخعی، شکر، حجتی و همچنین نعیمی پرستار بیمارستان رازی و «هلینا» دختر نوجوان دکتر عمادی. آنها اقلام دارویی و غیر دارویی هم همراه دارند که توسط دکتر عمادی و دستیارانش در بیمارستان رازی تهیه شده است. بروی بچه‌های هلال هم مانند دفعه پیش همراه هستند و پایه کارهای داوطلبانه.

آموزش حرف اول در حفظ سلامتی
 با گروه سلامت و بچه‌های هلال احمر می‌رویم روستای ذکری و گل‌نی. میانه راه هستیم که اذان می‌گویند و دکتر و همراهانش با همان مختصر خوراکی که به هوا پیمایا به مسافران دادند افسار می‌کنند. تا برسیم وقت نماز مغرب هم می‌گذرد اما می‌رویم تا بخشی از آموزش‌ها همان امتحان انجام شود. به محض ایستادن در ذکری، سروکله بچه‌ها پیدا می‌شود و دور دکتر عمادی جمع می‌شوند و او هم همه‌شان را به نام می‌خواند و صورت‌هایشان را نوازش می‌کند. پوستشان قابل مقایسه نیست با چیزی که در عکس‌ها دیده‌ایم. زخم‌ها خوب شدند و تنها فرمزی مانده است که با مراعات بیشتر، همین مختصر قرمزی هم از بین خواهد رفت. دکتر خوشحال از جواب دادن پوست‌ها به درمان، به بعضی‌ها می‌گوید: «پوستتون که خشک... مگه قرار نداشت، بدون کرم و کلاه بیرون نیاید!» همه برادران و خواهران جمع می‌شوند در مسجد کوچک روستا. بچه‌ها هم در دور دایره عمودی می‌نشینند و دکتر عمادی از بعضی‌ها می‌پرسد که کرم را با دست یا با انگشت و بگویند باید چه مواردی را رعایت می‌کنند. دو سه تا از بچه‌ها می‌آیند و سه نکته اساسی، پرهیز از آفتاب و استفاده از کلاه و کرم را می‌گویند. او با مدارا و تشویق، سعی می‌کند از زبان اغلبشان این سه نکته را بشنود تا دلش قرص و محکم شود، همه آموزش را یاد گرفته‌اند.